



بانوی ساکن محله رحمانیه، شعرهای آیینی و ملی می‌سراید و پسرش در میدان شهر و هیئات می‌خواند

۵۰۴

قلم و صدایی برای تجلی ایران حسینی



عکس: فهیمه فرخی/شهرآرا

بازدید از بازارچه محصولات دستی بانوان در کنار بوستان مادر و کودک را از دست ندهید

۵۰ غرفه هنر، در انتظار مشتری‌های خوش سلیقه



۲ همسایه به همسایه، دیدار چهلم، کوچه دادگر ۱۹
خانه امید اهالی

۷ مربی باشگاه ووشو کلاته برفی همراه با شاگردانش در همه شب‌های تجمعات به میدان آمده است
قهرمان سکوی خیابان

همسایه به همسایه، دیدار چهلم، کوچه دادگر ۱۹

خانه امید اهالی

فاطمه سیرجانی کوچه دادگر در محله تربیت، از معابر قدیمی منطقه به شمار می آید. قدمت سکونت نخستین خانواده ها در این کوچه به بیش از چهار دهه می رسد. همسایه هایی که فقط در کنار هم زندگی نکرده اند؛ بلکه برای سرسبزی، آبادانی و پیوند بیشتر دل ها قدم برداشتند. در این میان، جلسات مذهبی و روضه های خانگی، بهانه ای شد برای آنکه همسایه ها بیشتر یکدیگر را بشناسند و در کنار هم، محله ای منسجم تر و گرم تر بسازند. یکی از همسایه های محبوب اهالی، محمد جواد شریفی، معلم بازنشسته ای است که به گفته مسجدی ها، زمانی که محله هنوز شکل نگرفته بود برای آبادی و آبادانی اش قدم های بزرگی برداشته است.

● خانهای که پایگاه مهر کوچه شد

محمد جواد شریفی، از نخستین ساکنان کوچه دادگر، از اوایل دهه ۷۰ به این محله آمده است؛ روزگاری که هنوز راسته بولوار و کیل آباد پر بود از درختان توت و جوی آبی داشت که از کنار خیابان می گذشت و صفای محله را دوچندان می کرد.

احسان شوکتیان در وصف او می گوید: آقا محمد جواد همان اول که آمد، روضه های خانگی پدری اش را به محله ما آورد و همان خانه، محل رتق و فتق امور محله و مشکلات فردی شد. خود آقای شریفی هم همه جوره پای کار بود و دوست داشت مشکلات محلی و حتی نیازهای فردی در این خانه برطرف شود. همیشه هم با روی خوش با مردم برخورد می کند. خود آقا محمد جواد از روزهای نخست سکونت در محله چنین یاد می کند: اوایل حضورمان، ساکنان اینجا به اندازه انگشتان یک دست هم نبودند. نه آب داشتیم، نه برق. از جدول کشی و آسفالت و خیابان و روشنایی معابر هم خبری نبود. تمام کم و کاستی های محله را با نامه نگاری و پیگیری خودمان انجام دادیم.



● دغدغه توسعه محلی با آقا محسن

دومین چهره خوش نام کوچه دادگر، محسن اطمینان است. او در سال ۸۰ به این کوچه آمد و آرام آرام جای خود را در دل همسایه ها باز کرد.

شریفی درباره آشنایی اش با آقا محسن می گوید: آشنایی ما از برنامه های نماز جماعت مسجد محله شکل گرفت. کم کم متوجه شدم ایشان نقش پررنگی در برپایی محافل قرآنی و مذهبی برای نوجوانان و جوانان دارد. حضور پسران نوجوانم در این محافل، دوستی و رفاقت ما را با هم بیشتر کرد.

از محسن اطمینان به عنوان فردی مهربان، صبور و دغدغه مند یاد می شود؛ همسایه ای که نه فقط برای کارهای فرهنگی، بلکه برای رفع معضلات محله نیز پیگیر بوده است. یکی از مشکلات جدی این کوچه، پارک خودروها در وسط معبر بود؛ معضلی که سال ها همسایه ها را درگیر کرده بود. شکل گیری هیئت امنای محلی و پیگیری جمعی، در نهایت به آیلندگذاری و رفع این مشکل انجامید. پیگیری های این معضل کوچه دادگر را آقا محسن عهده دار شده بود. او می گوید: به نظرم توسعه عمرانی و کار فرهنگی مؤثر برای هر محله ای لازم است و من هم سعی کردم همین دو کار را پیش ببرم.

● اخلاق قرآنی در کسب و کار

بعد از صحبت با آقا محسن برمی گردیم دوباره به احسان شوکتیان که مورد احترام همسایه ها است؛ کاسبی خوش نام در کوچه دادگر ۱۹ که به گفته محسن اطمینان، یکی از کسبه با اخلاق و امین محله است. او می گوید: نخستین دیدار مادر مغازه آرایشگری آقا احسان رقم خورد؛ جوانی مؤدب، خوش رفتار و چشم پاک که خیلی زود جای خود را میان همسایه ها باز کرد.

از مهم ترین ویژگی های شوکتیان، انس با قرآن و تلاش برای فراهم کردن زمینه آموزش و حفظ قرآن برای کودکان و نوجوانان محله است. او که خود حافظ قرآن است، مدتی است جلسات قرآن خانگی ویژه نوجوانان راه اندازی کرده است. جلساتی که با در اختیار گذاشتن یک مکان ثابت از سوی همسایه اش، محسن اطمینان، این روزها منسجم تر و پربارتر برگزار می شود.

شوکتیان که بیش از دو دهه است در این کوچه کاسبی اش را راه انداخته است، درباره همسایه و کاسب خوب می گوید: واژه «خوب» برازنده همسایه و کاسبی است که آزارش به همسایه نرسد، در وقت نیاز باری از دوش برادر دینی اش بردارد و در رفتار و کردار چنان باشد که مورد اعتماد و امین دیگران قرار گیرد.



نوسازی پیاده رو بولوار جلال آل احمد

به همت اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری منطقه ۱۱، پروژه نوسازی پیاده رو بولوار جلال آل احمد آغاز شد. با اجرای این اقدام عمرانی، پیاده روی بولوار پرتردد، در ضلع غربی و حد فاصل بولوار و کیل آباد تا بولوار فرهنگ نوسازی خواهد شد. این کار با استنادهای مبلمان شهری اجرامی شود و تا دو ماه آینده تکمیل خواهد شد.



کودکان ملت، سفیران آب

کارگاه آموزشی مصرف بهینه آب در بوستان شهربانوی ملت ویژه کودکان و نونهالان برگزار شد. این برنامه به مدت شش روز اجرا شد تا کودکان و نونهالان روش های مصرف بهینه آب را آموزش ببینند و این آموزش ها را به اعضای خانواده منتقل کنند و این گونه، «سفیران آب» شوند. در این مدت ۴۰ کودک با بازی و سرگرمی روش های مصرف بهینه آب را آموختند.

۱۰۰ شب آموزش امداد رسانی در آزاد شهر

اعضای جمعیت دوام ثامن شهرداری منطقه ۱۱، حدود صد شب است که در تجمعات مردمی چهارراه آزاد شهر، نحوه امداد رسانی را به مردم می آموزند. در این مدت مربیان مجرب این جمعیت، نحوه احیای مصدومان، انتقال آسیب دیدگان، بررسی علائم حیاتی، حفظ خونسردی و... را برای زمان بروز حادثه به شهروندان آموزش می دهند.

بهشتی استقبال شهروندان از مسیر ویژه دوچرخه سواری بوستان ملت، سبب شده عملیات بهسازی و ایمن سازی آن در هفته های اخیر در دستور کار شهرداری منطقه ۱۱ قرار گیرد. معاون اجرایی شهرداری منطقه ۱۱ با اعلام خبر تکمیل اجرای این طرح گفت: این اقدام در راستای توسعه زیرساخت های ورزش همگانی اجرایی شد.

مهدی دانشمند ادامه داد: با هدف صیانت از حریم مسیرهای ویژه دوچرخه و پیشگیری از بروز حوادث احتمالی، عملیات سامان دهی و بازسازی تجهیزات ایمنی در این مسیر، به صورت تخصصی اجرایی شد تا زمینه تردد ایمن برای دوچرخه سواران فراهم باشد.

دانشمند درباره جزئیات این طرح افزود: تیم های اجرایی این منطقه ضمن جمع آوری ۱۲۴ استوانه ایمنی فرسوده، برای نصب ۱۲۵ استوانه ایمنی جدید با هدف تفکیک دقیق مسیر اقدام کردند و علاوه بر این، به منظور کنترل سرعت و ارتقای ضریب ایمنی در نقاط حادثه خیز این مسیر، تعداد ۱۰ عدد پنل سرعت گیر به همراه دو عدد سرتابلو سرعت گیر نصب و جانمایی شد.



معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه ۱۱ از تسهیل شرایط ورزش شهروندان در بوستان ملت خبر داد

مسیر دوچرخه سواری ایمن تر از همیشه

با پیگیری شهرآرامحله، وعده تابستانی شهرداری منطقه ۱۲ محقق شد

بسته شدن پرونده خاکی شاهنامه ۸۰/۶



سید مصطفی بهشتی | حدود پنج ماه قبل، پای صحبت اهالی محله فردوسی نشستیم و گلابه های آن ها را در خصوص شاهنامه ۸۰/۶ شنیدیم: معبری که سال ها است مسیر اصلی تردد شهروندان توس علیاست اما به حال خود رها شده است. این گزارش روز ۲۵ دی ماه ۱۴۰۴ در شهرآرامحله ۱۱ و ۱۲ منتشر شد و شهرداری منطقه ۱۲ وعده داد که قطعا تابستان ۱۴۰۵ مشکل برطرف می شود.

اکنون با توجه به حساسیت های بافت تاریخی این محدوده، مسیر شاهنامه ۸۰/۶ آسفالت نشده بلکه سنگ فرش شده است تا حساسیت ها برای گودبرداری و تسطیح مسیر رعایت شود.

شهردار منطقه ۱۲ درباره این پروژه توضیح می دهد: با برنامه ریزی های صورت گرفته و اجرای این پروژه، زمینه توسعه پایدار شهر تاریخی توس فراهم شده است.

مهدی خداشناس ادامه می دهد: مجموعه مدیریت شهری با اجرای این پروژه در هفته اخیر در پی تحقق رویکرد «شهر ایمن، شهر هموار» و جلب رضایت شهروندان و توسعه شهری در محله فردوسی بوده و البته رعایت ظرافت های عملیات

توس به این معبر هم رسیده است. خرم آبادی می گوید: اهالی توس علیا سال ها منتظر این اتفاق عمرانی بودند. ما هم خوشحالیم در نهایت پروژه ای اجرایی شد که هم مردم راضی هستند و هم به زیرساخت های تاریخی ما آسیبی وارد نمی شود.

عمرانی در بافت های ترکیبی تاریخی مسکونی هم در نظر گرفته شده است.

به گفته مهدی خرم آبادی، از اهالی توس علیا، با آغاز پروژه عمرانی سنگ فرش مسیر تردد اهالی توس علیا، شهروندان این محدوده بسیار خوشحال شدند که اجرای پروژه های عمرانی

با پیگیری شهرآرامحله و همکاری شهرداری منطقه ۱۲، معابر فرعی شاهنامه ۴۴ دیگر خاکی نیستند

نجات کوچه های شهید رضوی از گل ولای



بهشتی | ۳۰ بهمن سال قبل بود که درخواست های پرشمار اهالی شاهنامه ۴۴ را درباره آسفالت معابر فرعی این محدوده در شهرآرامحله مطرح کردیم. پیگیری در این خصوص با همکاری شهرداری منطقه ۱۲ همراه شد تا اکنون تعدادی از معابر فرعی این مسیر آسفالت شود.

با اقدام عمرانی شهرداری منطقه ۱۲ در یک ماه اخیر، چهار کوچه شهید رضوی ۵، ۳، ۱ و ۸ آسفالت شد و سختی تردد اهالی در این مسیر پایان یافت. مرتضی فیضی راد، از اهالی شاهنامه ۴۴، می گوید: واقعا کار بزرگی برای کوچه های ما انجام شد و امسال اولین سالی است که ما به خاطر بارش برف و باران، استرس گل شدن کوچه و گیر کردن ماشین و این مشکلات را نخواهیم داشت. این شهروندان ادامه می دهد: این مسیر به خاطر وجود مسجد قدیمی چهار برج، قبرستان، عمارت تاریخی و... پرتردد است و واقعا نیاز بود که آراسته و مرتب باشد که خدا را شکر با کار عمرانی اخیر، شرایط مطلوب شد.

تابلو ایستگاه اتوبوس شاهنامه ۱۸، با پیگیری شهرآرامحله و همکاری اداره ناحیه منفصل توس نصب شد

پایان سردرگمی اهالی کلاته برفی



بهشتی | ششم آذرماه سال گذشته، گزارش اختصاصی از مشکلات ایستگاه اتوبوس شاهنامه ۱۸ منتشر کردیم؛ ایستگاهی که نه تابلو داشت و نه سایبانی.

پیگیری های ما از اداره ناحیه منفصل توس شهرداری منطقه ۱۲ نشان می دهد فعلا نصب سایبان در این نقطه به دلیل عرض کم محل انتظار مسافران، ممکن نیست. با وجود این، تابلو این ایستگاه در یک ماه اخیر بالاخره نصب شد تا اهالی محله کلاته برفی از سردرگمی رهایی یابند.

سحر فلاحی زاده می گوید: سایبان و صندلی هم برای این ایستگاه ضروری است. البته به خاطر نصب تابلو ممنون هستیم. قبلا که تابلو نبود، مردم جایی می ایستادند و اتوبوس جای دیگر توقف می کرد و این مشکل همیشه بود و خیلی وقت ها باید برای سوار شدن به اتوبوس، دنبال آن می دویدیم.

بانوی ساکن محله رحمانیه، شعرهای آیینی و ملی می‌سراید و پسرش در میدان شهر و هیئات می‌خواند

۱۲



قلم و صدایی برای تجلی ایران حسینی

حسین برادران فر پسر نوجوان روی سکوی اجرایی رود و برای شهروندان بی شماری که در میدان محمدیه گرد هم آمده‌اند، شعر زیبای «آقای شهیدم» را می‌خواند. این سرود بارها و بارها در تجمعات و راهپیمایی‌های شبانه این ایام در میدان ولیعصر (عج) و میدان محمدیه اجرا شده و احساسات زیادی را برانگیخته است. نرگس اکبری پور، سراینده این شعر حماسی و فرزندش سید محمد طاها اعتمادی، مداح دهه نودی، ساکن محله رحمانیه هستند. این مادر و فرزند در کنار هم تیم دو نفره‌ای تشکیل داده و تاکنون شانزده کلیپ و سرود با محتوای آیینی و ملی نوشته و اجرا کرده‌اند.

این شاعر آیینی با تأثیر از واقعیات تاریخی و مذهبی از جمله واقعه عاشورا و عبارت «هیئات منالذله»، امام حسین (ع) اشعار مناسب با اوضاع و احوال این روزهای کشور نوشته است. با آغاز ماه محرم، کار این مادر و فرزند بیشتر شده است. آن‌ها سرودن و خواندن بر هر دو محور ملی و آیینی را در این روزها دنبال می‌کنند تا شکوه ایران حسینی را به رخ بکشند.

تشریف به حرم با «تشریف»

روزگار برایش با شغل زیبای معلمی می‌گذرد. از حوزه‌های مختلف سررشته دارد، کمی شیمی، کمی روان‌شناسی و مقداری ادبیات. شاید همین گریز زدنش به حوزه‌های مختلف سبب شده است همه داشته‌های علمی‌اش را در یک ظرف بریزد و شعرهای زیبای ملی و آیینی بسراید. اما شاعری برای او از نوجوانی شروع شده است. او این دوره را به خواندن اشعار شاعران بزرگ همچون حافظ، سعدی و مولانا می‌گذرانده است. خودش تعریف می‌کند: در نوجوانی هر وقت اشعار زیبای زبان فارسی از کتاب گلستان، مثنوی و شاهنامه را می‌خواندم، لذت زیادی می‌برد. تحت تأثیر همین علاقه به تدریج دست به قلم شدم و چند شعر عاشقانه و اجتماعی نوشتم. مدتی بعد به توصیه یکی از دوستان به جلسه شب شعر حرم رفتم که به «تشریف» معروف بود. در همین جلسات با شاعران باتجربه شهر آشنا و از تجربه و اطلاعات آن‌ها در زمینه سرودن بهره‌مند شدم.

هدیه امام رضا (ع)، به یاد شهید جمهور

درس و دانشگاه و زندگی برای مدتی نرگس خانم را از پیگیری علائقش دور کرد. هر چند قلم شعر نوشتن هیچ وقت از دستش نیفتاده است. سرنوشت این‌گونه بوده است که او دوباره به این فضا بازگردد. آن هم به بهانه پسرش که علاقه مند به مداحی، خوانندگی و سرود است. بانوی شاعر شهرمان می‌گوید: پسر، سید محمد طاها، از کودکی علاقه زیادی به موسیقی داشت و چند ساز از جمله دو تار خراسانی، پیانو و سنتور را به صورت حرفه‌ای آموخته است. در واقع اشتیاق او این انگیزه را در من ایجاد کرد که بار دیگر به سراغ سرودن شعر بروم و اشعار مداحی‌ها و آهنگ‌هایی را که پسر تاکنون خوانده است، سروده‌ام. اولین شعری که با همکاری من و پسر نوشته شد و به مرحله اجرا درآمد، «هدیه امام رضا (ع)» بود. این شعر به مناسبت شهادت آیت‌الله... رئیسی نوشته و تنظیم و اولین بار هم زمان با مراسم چهلم شهید رئیسی در میدان معراج مشهد اجرا شد. این سرود در صداوسیما خراسان رضوی نیز پخش شد؛ حتی تعدادی از مداحان مشهدی همین متن شاعرانه را در قالب یک نوحه سینه زنی اجرا کردند.

پیچیده باز دوباره همه جا عطر شهادت
منتظر برای تشییع، چشم به راهت یک ملت

این بیت مطلع شعر هدیه امام رضا (ع) است و از آن زمان تا امروز بیش از شانزده سرود با محتوای آیینی و ملی سروده‌ام. سرود عید غدیر، ولادت امام رضا (ع)، ولادت امام حسن (ع) و ولادت حضرت زهرا (س) از آن جمله هستند. بیشتر این سرودها در برنامه‌های مختلف صداوسیما خراسان رضوی از جمله شب شرقی، سفره‌های همدلی و شبکه شاد آموزش و پرورش پخش شده است.



«آقای شهیدم»، سروده‌ای از سرارادت

نرگس اکبری پور و پسرش سید محمد طاها اعتمادی که نوشتن و اجرای سرودهای انقلابی و مداحی‌های مختلف را از دو سال قبل شروع کرده به فکر نوشتن شعری برای رهبر معظم انقلاب افتادند؛ نیتی که با شهادت آقا به سرانجام نرسید و مسیر دیگری را طی کرد. این بانوی هنرمند تعریف می‌کند: ارادت بنده به حضرت آقا، رهبر شهید انقلاب، ریشه‌ای قدیمی و چندین ساله دارد. همیشه دوست داشتم که ایشان را از نزدیک ببینم و شعری را که برایشان سروده‌ام، بخوانم. با همین پیش زمینه که داشتم، دست به کار شدم.

با انتشار خبر شهادت رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله... سید علی خامنه‌ای، نرگس اکبری پور که موفق به تکمیل سرودش در وصف رهبر انقلاب در زمان حیات ایشان نشده بود، به فکر سرودن شعری افتاد که در شأن و رتبه رهبر شهید

انقلاب باشد. این شاعر انقلابی می‌گوید: دنبال انجام یک کار و سرود متفاوت و تأثیرگذار بودم که بتوانم مقام و منزلت رهبر شهیدمان را نشان بدهم.

اکبری پور با بیان چگونگی و حال و هوای نوشتن شعر و سرود «آقای شهیدم» توضیح می‌دهد: عکسی از رهبر شهید روی دیوار منزل مقرر داشت. از زمان شهادت آقا بارها و بارها جلوی این عکس می‌ایستادم و به این فکر بودم که چه شعری بنویسم که در شأن ایشان باشد. این دوبیت به ذهنم رسید:

به عکس تو باشک خیره می‌شوم
نگاه تو چه آرام و دل نشین

مگر می‌شود باور کنم نیستی
کجایی ای مرد ایران زمین؟

نرگس اکبری پور ادامه می‌دهد: این دوبیت را بلافاصله در دفتر یادداشت کردم تا بر اساس همین مطلع، شعرم را کامل کنم.

او ادامه می‌دهد: بعد از سرود شدن این دوبیت، تکمیل دیگر ابیات سروده «آقای شهیدم» با تأخیر و کندی مواجه شد. چند روزی گذشت و نمی‌توانستم آن را تکمیل کنم اما بالاخره اشعار سرود کامل شد. بلافاصله بعد از آن، صداگذاری و آهنگ‌سازی سرود «آقای شهیدم» تکمیل شد. هم‌زمان با اربعین رهبر شهید انقلاب در مراسمی که به همین مناسبت در میدان معراج مشهد برگزار شد، حاضر شدیم و محمد طاها برای اولین بار این شعر را برای شهروندان و تعداد زیادی از جانبازان و خانواده‌های شهدا اجرا کرد.

امام حسین^(ع) و ظلم ستیزی ایشان یاد شده است. او توضیح می‌دهد: واقعه عاشورا مبنای انقلاب اسلامی و قیام مردم ما ضد ظلم بوده است. حال و هوای این روزهای کشور و تجمعات مردمی و تسلیم نشدن در برابر زورگویی آمریکا با پیروی از این جمله امام حسین^(ع)، «هیئات منالذله»، ایجاد شده است. به نظرم محرم امسال محرمی فراموش نشدنی خواهد شد؛ چون تاریخ دوباره تکرار شد و ملت بزرگ ما ایستادگی و مقاومت تا شهادت را از امام حسین^(ع) و قیام عاشورا آموختند. او ادامه می‌دهد: من از سال‌های قبل، شعرهایی را درباره امام حسین^(ع) و محرم سروده بودم که مداحان گران قدر خواندند. امسال هم با اینکه بسیار درگیر تجمعات بودیم، از محرم غافل نشدم و شعرهایی برای مداحی و سرودهای آیینی آماده کرده‌ام تا محمد طاها در هیئت بخواند.

وقتی داوران گریه کردند

سید محمد طاها اعتمادی، نوجوان دهه نودی، معتقد به انقلاب و آرمان‌های رهبر شهید انقلاب است و همه استعداد و هنر خود را در راه اعتلای هنر و موسیقی انقلابی به کار گرفته است. او می‌گوید: اعتقادات مذهبی از همان کودکی، مسیر را به مسجد و هیئت محله کشاند. چون اطرافیان می‌گفتند صدای خوبی دارم، با تشویق پیشکسوتان هیئت، در کلاس‌های آموزش مداحی شرکت کردم و به عنوان مداح هیئت در مراسم مذهبی فعالیت داشتم. مداحی در هیئت، مقدمه و انگیزه‌ای شد برای علاقه‌ام به خواندن سرودهای ملی و آیینی. از دو سال ونیم قبل تا امروز بیش از شانزده سرود با موضوعات مذهبی و انقلابی تنظیم کرده و خوانده‌ام. از نظر این مداح و خواننده نوجوان، سرود «آقای شهیدم» بهترین سرودی بوده که تا امروز خوانده و بیشترین مخاطب و بازدید را در فضای مجازی داشته است. او با بیان خاطره‌ای در این باره تعریف می‌کند: در مسابقات فرهنگی و هنری آموزش و پرورش زمانی که سرود آقای شهیدم را می‌خواندم، این شعر به اندازه‌ای روی داوران مسابقه تأثیر گذاشته بود که همه گریه می‌کردند. سید محمد طاها اعتمادی با انگیزه‌هایی که دارد، مصمم به ادامه این راه و خواندن سرودهای بیشتر است. او می‌گوید: خوشبختانه صدا و سیما، آموزش و پرورش و هیئات مذهبی و فرهنگی در فراهم کردن فضا و پخش سرودها در برنامه‌های مختلف نهایت همکاری را داشتند و از لحاظ معنوی حمایت کردند. به گفته او برای ساخت هر کدام از این سرودها هزینه‌های چند میلیونی صرف شده است و این مادر و فرزند همه این هزینه‌ها را از جیب خودشان پرداخت کرده‌اند. او ادامه می‌دهد: علاقه‌ام به موضوعات مذهبی و انقلاب را مدیون حمایت خانواده به ویژه مادرم هستم. علاقه زیادی دارم که کارهای فاخر بهتر و بیشتری ارائه بدهم.

در دانشگاه فردوسی مشهد بود؛ بعد از بیست سال، دیدن دوباره این استاد قدیمی و تشویق‌هایش برایم خیلی روحیه بخش بود. در فضای مجازی نیز پیامک‌های محبت‌آمیزی از سرتاسر کشور دریافت کردیم که از کار ما حمایت کردند.

محرم فراموش نشدنی امسال

بیش از دو ماه است این مادر و پسر به عشق رهبر شهید و ایران عزیز، شب‌ها در خیابان حضور می‌یابند و حالا با آغاز ماه محرم کار مضاعفی را آغاز کرده‌اند. این بار مادر از حسین^(ع) می‌سراید و پسر برای شهید کربلا می‌خواند. در میان اشعار این بانو، سروده‌های مربوط به امام حسین^(ع) و واقعه عاشورا جایگاه ویژه‌ای دارد. حتی در اشعاری که او برای دیگران سروده، از

مهریک ایران به مادر و فرزند هنرمند

با اینکه مدت زیادی از اجرای سرود «آقای شهیدم» در صدا و سیما و شبکه‌های اجتماعی نگذشته است، شهروندان استقبال خوبی از این سرود کرده و در فضای مجازی و تجمعات شبانه احساسات و حمایت‌های خود را نشان داده‌اند. اکبرپور با بیان این نکته ادامه می‌دهد: از چهلم رهبر شهید تا کنون بیش از هشتاد بار اجرا داشته‌ایم. این شاعر انقلابی با ذکر خاطره‌ای از یکی از همین اجراهای می‌گوید: بعد از تمام شدن سرود در میان تشویق‌های شهروندان، مرد میان سالی به طرفم آمد و بعد از تعریف‌های زیاد از من و پسرم محمد طاها، خودش را معرفی کرد. این آقا در سال ۱۳۸۴ استاد

فتح‌المبین امت قرآن مسلم است

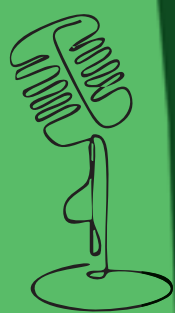
این شاعر آیینی تا کنون شعرهایی در وصف امام حسین^(ع) و واقعه عاشورا سروده است اما دواثر بیش از بقیه شنیده شده‌اند. این بانو می‌گوید: «یالیتنا» و «ماه شهید»، دو شعری هستند که برای امام حسین^(ع) و قیام عاشورا نوشتم و بازتاب بیشتری داشتند. پارسال که همراه با محمد طاها در مسیر پیاده روی اربعین شرکت کرده بودیم، این دو سرود را در محل عمود ۸۴ اجرا کردیم و مردم خیلی با محتوای آن ارتباط گرفتند. امسال هم برای ایام محرم با توجه به فضای خاص کشور، یک کار حماسی به نام «باز این چه شورش است» داریم. این شعر که شور حماسی و انقلابی دارد، حس اقتدار و خون‌خواهی ملت شریف ایران و تسلیم‌ناپذیری آن‌ها در برابر ظلم و قلدری دشمن را روایت می‌کند.

دستی به روی ماشه و دستی به پرچم است
باز این چه شورش است که در خلق عالم است

مردم همه به پیش که این خط مقدم است
باز این چه شورش است که در خلق عالم است

قطعا میان معرکه پشت عدو خم است
باز این چه شورش است که در خلق عالم است

فتح‌المبین امت قرآن مسلم است
باز این چه شورش است که در خلق عالم است



برای تماشای نماهنگ
«آقای شهیدم» اسکن کنید

بازدید از بازارچه محصولات دستی بانوان، در کنار بوستان مادر و کودک را از دست ندهید

۵۰ غرفه هنر، در انتظار مشتری های خوش سلیقه

مکان نما



فاطمه سیرجانی اگر از میان شلوغی های شهر و راسته پرمغازه بولوار امامت عبور کنید، در انتهای کوچه امامت ۴۹ به غرفه های کوچک، اما پرمهر بازارچه بوستان مادر و کودک می رسید؛ جایی که دیگر بایک فضای تجاری معمولی روبه رو نیستید.

اینجا یکی از نقاط پر جنب و جوش برای بانوان توانمند شهر ماست که هر روز از ساعت ۹ صبح تا ۸ شب دایر است. پشت هر میز، زنی ایستاده که بی تردید داستان زندگی اش از دل سختی ها عبور کرده تا به این نقطه برسد. برای بانوان حاضر در این بازارچه، این میزهای کوچک فقط محلی برای فروش ترشی و شیرینی، دست دوزها یا صنایع دستی نیست؛ بلکه سکویی است برای تمرین خود باوری، عزت نفس و استقلال. گزارش پیش رو، تنهاروایت فروش کالا در یک بازارچه محلی نیست؛ تلاشی است برای شنیدن صدای زنانی که تصمیم گرفته اند به جای ایستادن در صف حمایت ها، بانی تغییر زندگی شان باشند. در این بازارچه که با حمایت سازمان سامان دهی مشاغل شهری و فرآورده های کشاورزی شهرداری مشهد شکل گرفته است، رؤیاهای کوچک بانوان تولیدکننده با واقعیت بازار گره خورده است و هر غرفه، قصه ای از ایستادگی را روایت می کند.



با این حال او و دیگر فعالان این بازارچه، دغدغه ای تازه دارند و آن کم رونقی این بازارچه است؛ داخل محوطه که بودیم، تعداد میزها کمتر بود، اما مشتری بیشتری داشتیم. الان حدود پنجاه میز گذاشته اند با تنوع محصولات و تولیدات، اما تعداد مشتری ها مثل قبل نیست. البته هنوز یک هفته از راه اندازی بازارچه می گذرد و امیدواریم این بازار خیلی زود رونق بگیرد.

در انتظار حمایت و رونق اقتصادی

بازارچه خود اشتغالی بانوان بوستان مادر و کودک، امروز بیش از آنکه مجموعه ای از غرفه های فروش باشد، نمادی از تلاش زنانی است که نمی خواهند شرایط دشوار زندگی، آینده آن ها را تعیین کند؛ زنانی که هر کدام با هنر، مهارت و پشتکار، راهی برای ایستادن روی پای خود پیدا کرده اند.

با این حال، تجربه غرفه داران نشان می دهد ایجاد زیرساخت و فضای مناسب، تنها بخشی از مسیر است. رونق واقعی چنین بازارچه هایی زمانی رقم می خورد که تبلیغات و جذب مشتری همپای توسعه فضاهای فیزیکی پیش برود.

هرچه به بخش انتهایی بازارچه نزدیک تر می شویم، ورزش نسیم بیشتر حس می شود. پنجاهمین میز، پایان ایستگاه بازارچه خود اشتغالی بانوان محله زیبا شهر است. در خط پایان این بازارچه آنچه بیش از هر چیز در ذهن می ماند، نه رنگ غرفه ها است و نه تنوع محصولات؛ بلکه داستانی است که پشت هر میز مشغول خلق کردن هستند؛ داستانی که بعد از روزهای سخت، هنوز امید را می بافند، می دوزند و می فروشد.



از آن دختران، می گوید: ماسه دوست هستم و در رشته طلا و جواهر هنرستان درس می خوانیم. چون سختی و ظرافت ساخت زیورآلات را می شناسیم، تصمیم گرفته ایم برای خرید هدیه تولد دوستان یا دختران فامیل از این بازارچه خرید کنیم.

او معتقد است بسیاری از زنان حاضر در این بازارچه، زندگی خود را با هنرشان می گذرانند و حمایت از آن ها می تواند انگیزه ای برای ادامه مسیرشان باشد.

مهسا غفاری نیز می گوید: البته ما ترجیح می دهیم از غرفه هایی خرید کنیم که محصول ارائه شده تولید خودشان است. وجود چنین بازارچه هایی در کنار بوستان های ویژه بانوان، دسترسی ما را راحت تر کرده؛ همچنین فرصتی برای آشنایی با هنرهای دستی فراهم آورده است.

کارکردن زیر سقف ایمن

چند غرفه آن طرف تر، کنار میزی پر از ساک های پارچه ای نان، دم کنی، سفره و محصولات نخ، زنی جوان ایستاده است.

او که تمایلی به ذکر نامش ندارد، می گوید: اینکه مسئولان به فکر ایجاد فضایی امن برای فروش محصولات زنان هستند، جای شکر و قدردانی دارد.

زن جوان ادامه می دهد: پس از فوت همسر، تأمین هزینه های زندگی و تربیت سه فرزند بر دوش من افتاد. مدتی در یک کارگاه تولیدی مشغول دوخت ساک نان و دم کنی شدم. بعد از مدتی هم با دریافت وامی از کمیته امداد امام خمینی (ره)، چرخ خیاطی خریدم و تولیدی کوچکی در خانه راه انداختم.

او می گوید: بزرگ ترین دغدغه من، بعد آماده شدن تولیدات، فروش محصولاتم بود. برای بازاریابی حتی به مساجد محله مراجعه کردم، اما فروش چندانی نداشتم. تولید و تقاضا با هم جور در نمی آمد. خدا خواست و از طریق کمیته امداد بانوان بازارچه آشنا شدم. حالا حدود دو سال است که اینجا فعالیت می کنم.

این بانوی تولیدکننده، وجود سرویس بهداشتی، نمازخانه، نگهبان، تعداد زیاد مراجعه کنندگان و زنان بودن این محیط را از مهم ترین مزایای بازارچه می داند.

او از مشکلات گذشته هم یاد می کند و می گوید: وقتی غرفه ها داخل بوستان بود، هر روز بر سر جانمایی میزها مشکل داشتیم. بخشی از بازارچه تاریک بود و گرمای تابستان و سرمای زمستان هم کار را سخت می کرد. با کوچک ترین بارندگی مجبور می شدیم بساطمان را جمع کنیم. حالا با احداث این سازه مسقف، بسیاری از این مشکلات برطرف شده است.

بعد از ۲ سال، صاحب فضایی ثابت شدیم

روز هنوز به نیمه نرسیده و گرمای ادمی می کند. در ورودی بوستان مادر و کودک، سازه ای مسقف، چشم رهگذران را به خود جلب می کند. پشت نخستین میز، زنی حدوداً شصت ساله روی صندلی نشسته است و بی وقفه می بافت.

روی میز او همه نوع بافتنی پیدا می شود؛ از کلاه حمام و جوراب گرفته تا اسکاچ و انواع دست بافت های رنگارنگ.

خودش را کتایون دهقان معرفی می کند؛ سرپرست خانواری که سال هاست در شب بازارها و روز بازارهای مشهد بساط پهن می کند و از همین راه، نان حلال بر سر سفره خانواده اش برده است.

این بانوی هنرمند که تجربه حضور در اغلب بازارهای خود اشتغالی شهر را دارد، حضور در بازارچه مادر و کودک را یکی از بهترین تجربه های کاری خود می داند و می گوید: محیط زنانه اینجا، آرامش و امنیتی ایجاد کرده است که هم فروشنده و هم خریدار احساس راحتی می کنند.

او در حالی که داستان همچنان مشغول بافتن است، از گذشته اش می گوید که به معیشت امروزش گره خورده است؛ «قلاب بافی را از هشت سالگی از مادرم یاد گرفتم. بعد از فوت همسرم تصمیم گرفتم هزینه های زندگی را با هنر دست خودم تأمین کنم. از طریق دوستی با بازارهای شهرداری آشنا شدم و دو سال است که در بازارچه بوستان مادر و کودک فعالیت دارم. حالا هم حدود یک هفته است که باره اندازی این بازارچه، صاحب فضایی ثابت شده ایم.»

قرار دوست برای حمایت از زنان هنرمند

چند دختر نوجوان که تازه از بوستان خارج شده اند، مستقیم به سمت میزهای بدلیجات و زیورآلات می روند. المیرا شاه مرادی، یکی





مربی باشگاه ووشو کلاته برفی همراه با شاگردانش، در همه شب‌های تجمعات به میدان آمده است

قهرمان سکوی خیابان

حسین برادران فرا پرچم به دست میان جمعیت حاضر در میدان هفت خان ایستاده است و شعارهای ملی و انقلابی را همراه با دیگر شهروندان فریاد می‌زند. تکرار حضور در شب‌های متوالی، حوریه مجرد را نه خسته کرده است و نه ناامید؛ چون اعتقاد دارد که عظمت و یکپارچگی ایران در سایه همدلی برقرار است. او بانویی ورزشکار است که همراه ورزشکاران باشگاهش در تجمعات حاضر می‌شود. با او در میدان هفت خان و در دل تجمع هم‌کلام می‌شویم.

از سکوی ورزش تا سکوی خیابان

حوریه مجرد، مربی ورزش ووشو، این رشته را از سال هاقیل به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کند و در حال حاضر به عنوان مربی ورزشی در یکی از باشگاه‌های محدوده بولوار شاهنامه فعال است. او که زمانی بر سکوی قهرمانی استان و کشور ایستاده و امروز حامی و مشوق شاگردانش برای قهرمان شدن است، با اشاره به نقش مهم ورزشکاران در افتخار آفرینی برای ایران می‌گوید: هر ورزشکاری در دوران فعالیت ورزشی و حضورش در میادین بین‌المللی با کسب مدال‌های رنگارنگ و بالابردن پرچم سه‌رنگ کشورمان این فرصت را دارد که برای ایران افتخار آفرین باشد. به عنوان یک مربی همیشه مشوق و حامی شاگردانم بوده‌ام تا حضور موفقی در مسابقات ورزشی بین‌المللی داشته باشند و برای کشور عزت و سرافرازی بیافرینند. او ادامه می‌دهد: عرصه تجمعات شبانه و خیابان‌ها نیز همان سکوی بین‌المللی است

و این شب‌ها به شاگردانم گفته‌ام در خیابان باشند تا از حریم و وطن دفاع کنند. این کار به اندازه کسب مدال بین‌المللی ارزشمند است.

تشویق ورزشکاران به حضور در خیابان

مربی و ورزشکار افتخار آفرین محله کلاته برفی بعد از آغاز جنگ تحمیلی سوم، یکی از ستون‌های تجمعات شبانه در میدان هفت خان شده است. او با دعوت به همدلی، از شهروندان و به خصوص ورزشکاران توس می‌خواهد به خیابان بیایند و در دفاع از جمهوری اسلامی و تمامیت ارضی کشور همراه شوند. این شهروند می‌گوید: حوادث تلخ دی ماه و در ادامه، جنگ تحمیلی سوم سبب شد مردم به این نقطه برسند که متوجه

نقشه‌های دشمن شوند.

او ادامه می‌دهد: دشمن دنبال تکه کردن ایران است. برای ما خواب‌های بدی دیده‌اند که اگر غافل شویم، به ضرر ملت و میهن خواهد شد. بنابراین تلاش ما این است که مراقب وطن باشیم و اجازه ندهیم دشمن صحنه را خالی ببیند. در طول این صد شب در میدان بوده‌ام و هر آنچه از دستم برآمده است انجام داده‌ام؛ از فضای مجازی تا گروه‌های محلی و جمع‌های ورزشکار را شناسایی و از آن‌ها برای حضور در تجمعات دعوت کرده‌ام.

همه با هم، در کنار هم

قهرمان سابق ووشو کشور با تعریف خاطره‌ای از شب‌های تجمعات ادامه می‌دهد: من یک پیام صوتی را در گروه‌های مختلف از جمله کانال مجازی باشگاه برای بچه‌ها و خانواده‌ها فرستادم که شب در خیابان باشیم. خیلی‌ها استقبال کردند و چند نفر از والدین هم اعتراض داشتند. با آن‌ها صحبت کردم و با دلایل‌هایی که آوردم، تا حدودی قانع شدند. همان شب در تجمع حاضر شدم و میکروفن به دست رجز می‌خواندم. کارم که تمام شد و پشت سرم را نگاه کردم، تعدادی از بچه‌های باشگاه را دیدم که همراه والدینشان، از جمله همان چند نفری که مخالف بودند، آمده بودند و پرچم در دست داشتند. خیلی خوشحال شدم. هنوز هم بعد از گذشت بیش از صد شب از شروع جنگ، بچه‌های باشگاه همراه خانواده‌هایشان در راهپیمایی‌های شبانه حضور پیدا می‌کنند.



سهراب هنری، نوجوان فوتبالیست محله سیدرضی سال گذشته پدیده لیگ امید استان بوده است

بازیکن گل‌زن و گل‌ساز



امید محله

تا حالا در چه رقابت‌های مهمی

همراه تیم بوده‌ای و چه مقام‌هایی کسب کرده‌ای؟

در پنج رقابت شرکت کرده‌ام؛ دو بار جام رمضان مشهد، یک بار جام ایثار و مقاومت، یک بار جام امید شهرستان و امسال هم در لیگ دسته یک امید استان حاضر بودم. در همه این رقابت‌ها بازیکن هافبک وسط بوده‌ام.

چه موفقیت‌هایی را تجربه کرده‌ای؟

جد از قهرمانی باتیم در مسابقات ایثار و مقاومت، بیشتر موفقیت‌های من فردی بوده است. یک بار بهترین بازیکن جام امید استان شدم و سال گذشته در لیگ امید استان در ۱۰ بازی بازیکن برتر شدم.

حضورت در لیگ دسته یک استان چگونه بود؟

انتخاب سختی بود؛ چون در این سن ورود به لیگ دسته یک استان، کار راحتی نیست. بازی اول خیلی استرس داشتم، اما بعد از آن بهتر بازی کردم. بازیکنان تیم هم می‌گفتند بازی ات خیلی خوب است.

آیا ورزش مانع از درس خواندنت نشده است؟

ورزش مداوم و حضور در جلسات تمرینی و مسابقات، کمی برنامه ریزی برای درس خواندن را برایم سخت می‌کند، اما چون هدف دارم، سعی کرده‌ام با هر سختی شده، هر دو را کنار هم داشته باشم.

به نظرت فوتبالیست باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد؟

اول باید بدنی قوی داشته باشد، دوم، فکر باز در مسابقه و تمرین. نباید تک روی کند یا خودش را بالاتر از بقیه بداند. از نظر اخلاقی هم باید با هم تیمی‌هایش رفتار دوستانه‌ای داشته باشد و مغرور نباشد.

اولین مسابقه رسمی‌ای که شرکت کردی، کجا بود و چه پستی داشتی؟

اولین مسابقه‌ام با تیم همای مشهد در بازی‌های جام رمضان بود. آن موقع دفاع وسط بازی می‌کردم.

خاطره‌ای از مسابقات داری که در برتری تیمت نقش مهمی داشته باشی؟

اولین مسابقه تیم جام‌چم در جام ایثار و مقاومت استان خیلی خاطره‌انگیز بود. استرس زیادی داشتم و هوا هم خیلی گرم بود. آخرهای نیمه اول با دریبل از دو نفر و یک شوت، گل زدم و همه خوشحال شدند. در نیمه دوم هم دو پاس گل دادم و با وجود دو گلی که خوردیم، در نهایت بازی را بردیم.



سیرجانی‌اگاهی استعدادها از همان جایی

جوانه می‌زند که کسی انتظارش را ندارد. از دل یک محله معمولی، از بازی‌های کودکانه در کوچه یا از تشویق ساده و انگیزه بخش خانواده، سهراب هنری، نوجوان موفق محله سیدرضی، یکی از نوجوانانی است که فوتبال رانه از روی هیجان زودگذر، بلکه با تلاش و همت دنبال می‌کند و از زمین‌های معمولی محله به زمین چمن ورزشگاه‌های خوب استان رسیده است. سهراب چهارده ساله، اکنون عضو تیم فوتبال نوجوانان جام جم نوین است و در سال گذشته ستاره لیگ فوتبال دسته اول امید استان بوده است.

مسیر فوتبال برایت از کجا آغاز شد؟

غیر از اینکه همیشه پای تلویزیون به تماشای فوتبال می‌نشستم، به خاطر برادر بزرگ‌ترم که فوتبال را حرفه‌ای دنبال می‌کند، به این ورزش پرطرفدار علاقه مند شدم. از هفت سالگی فوتبال را ضمن بازی با هم‌سن و سال‌ها در کوچه و محله شروع کردم و وقتی به باشگاه رفتم، این علاقه جدی‌تر شد.

تمرینات را کجا انجام می‌دهی؟

بیشتر در تیم جام جم نوین تمرین کرده‌ام و هنوز هم عضو همان تیم هستم. مربی‌ام خیلی به من کمک کرد. درست است که تمرین را با زمین‌های آسفالت و خاکی بی‌کیفیت شروع کردم اما با بازی در زمین چمن، به اوج لذت فوتبال رسیدم.

همدلی اهالی الهیه و همت شهرداری منطقه ۱۲ بعد از گزارش شهرآرامحله، به پاکیزگی ختم شد

کم‌شدن موش‌ها در نبود زباله‌ها



سیدمصطفی بهشتی‌ایزد هم تیرماه سال ۱۴۰۴ بود که گزارشی را با موضوع گلابه اهالی الهیه از حضور پرشمار موش‌ها در این محدوده شهری منتشر کردیم. در آن زمان، معاون اجرایی شهرداری منطقه ۱۲، دوراهکار را برای رفع این مشکل مطرح کرد. نخست افزایش طعمه‌گذاری‌ها و در مرحله بعدی، همکاری شهروندان برای حفظ نظافت معابر به ویژه در زمینه رعایت ساعت گذاشتن زباله مقابل در. در این مدت، شهرآرامحله پیگیری‌هایی را صورت داد تا اطلاع‌رسانی درباره ساعت زباله‌گیری انجام شود و شهروندان خود را ملزم به رعایت این فرهنگ کنند که همین اقدام صورت گرفت. همچنین با پیگیری شهرآرامحله طعمه‌گذاری از سوی اداره خدمات شهری در بازه‌های زمانی منظم و در نقاط بیشتری صورت گرفت. با گذشت نزدیک به یک سال از آن گزارش، دوباره به سراغ شهروندان رفتیم تا شرایط را جویا شویم. حسین قنبرزاده می‌گوید: از آن زمان چند اتفاق خوب افتاد. همدلی خوبی بین حدود دوازده مجتمع در بولوارهای صادقیه و الهیه اتفاق افتاد

بزرگ‌ترین مشکل در انتهای الهیه وجود چند زمین رها شده بود که خودش موجب تجمع موش‌ها بود. این زمین‌ها شکر خدا با پیگیری شهرداری، دیوارکشی شد و رفت و آمد زباله‌گردها و رهاشدن زباله‌ها در آن‌ها متوقف شد. همین باعث شد که غذای موش‌ها در این فضاها تأمین نشود.

تا همه زباله‌ها را در ساعت دقیق جلودر بگذارند. از طرفی هر جایی که شهروندان به عنوان محل تجمع موش‌ها معرفی کردند، شهرداری به خوبی طعمه‌گذاری و شرایط را تغییر داد. فاطمه بخشی که از دیگر شهروندان الهیه است، می‌گوید:

مطالبه اهالی در کانال شهرآرامحله، به آسفالت پیاده‌رو خیابان شهید قاسمی ۲۸ منجر شد

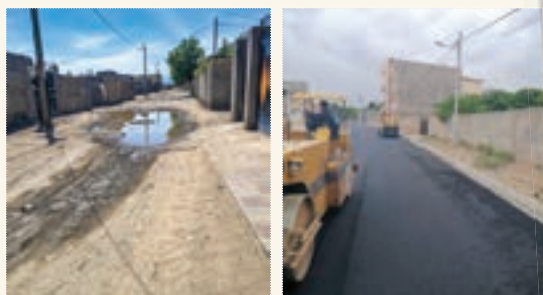
مسیر هموار، ایمن و زیبا



بهشتی انتشار تصاویر پیاده‌رو ناهمسطح خیابان شهید قاسمی ۲۸ در کانال ایتای شهرآرامحله ۱۱ و ۱۲ مطرح کردن درخواست‌های شهروندان در این زمینه، منجر به یک اتفاق عمرانی خوب محلی شد. در پی انتشار این پیام و پیگیری از شهرداری منطقه ۱۱ در دو ماه اخیر، این مسیر پس از تسطیح، باریختن آسفالت نونوار شد تا علاوه بر تردد ایمن، این مسیر تمیز و پاکیزه شود. حسین خدایاری، از اهالی این معبر، می‌گوید: قبل از آسفالت مسیر به قدری پراز گودال و بالاوپایین بود که می‌دیدم افراد و بیلچری یا مادران کالسکه به دست مجبور بودند به سمت خیابان تغییر مسیر دهند. خدا را شکر که این مسیر صاف و یکدست شد. با اینکه معبر اصلی نیست، شهرداری به درخواست ما توجه کرد و از این نظر ممنونیم.

گزارش شهرآرامحله درباره وضعیت کوچه‌های خاکی خیابان آریا، یکی از معابر را وارد فهرست اولویت‌های آسفالت کرد

خداحافظی آریا، با گرد و خاک



بهشتی ۱۰ اردیبهشت بود که گزارشی رادرباره وضعیت پراز گل و گرد و خاک معابر فرعی خیابان آریا منتشر کردیم و از مدیران شهری قول گرفتیم که این معابر را در اولویت آسفالت قرار دهند. انتشار این گزارش در آستانه ورود تجهیزات آسفالت به محدوده منقصل شهری تواس سبب شد آریا که وضعیت نامطلوب تری داشت، در اولویت قرار بگیرد و در دو هفته اخیر آسفالت شود. محمدرضابین العابدینی، از اهالی خیابان شاهنامه ۱۸، می‌گوید: وضعیت معابر فرعی این محدوده اصلاً قابل نیست و در همان شرایط بیست سال پیش مانده است. آسفالت آریا ۸ ما را امیدوار کرد که این نقطه هم مورد توجه مدیران شهری است. این شهروندان ادامه می‌دهد: اگر شش هفت معبر دیگر هم به زیبایی آریا آسفالت شود، زندگی ما تغییر می‌کند و قطعاً حال بهتری خواهیم داشت.